

سرمایه فکری و تاثیر آن بر عملکرد مالی بانک ها:شواهد به دست آمده از عربستان

چکیده:

این مقاله به بررسی عملکرد سرمایه فکری (IC) در بانک های عربی با کمک روش ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری (VAIC) و ارزیابی تاثیر IC بر عملکرد مالی بانک ها، می پردازد. همچنین مولفه های IC که به عنوان شاخصه های قدیمی موفقیت بانک ها محسوب می شوند نیز شناسایی شده اند. نتایج در تمام بانک ها طی سال 2008 تا 2010 نشان دادند که عملکرد IC در بانک های عربستان بسیار پایین بوده و ارتباط مثبتی با شاخص های عملکرد مالی بانک ها دارد. با این حال زمانی که VAIC را به چند مولفه تقسیم بندی کنیم، روابط میان آن ها و شاخص عملکرد مالی بانک، بسیار متنوع خواهد بود.

کلیدواژگان: عملکرد مالی، بانک های عملکرد مالی، بانک های پذیرفته شده در بورس عربستان

مقدمه:

بیا توجه به توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش، منابع قدیمی مزیت رقابتی به دارایی های ملموسی که باعث ایجاد ارزش شرکت و حفظ مزیت رقابتی می شوند، به تدریج رو به کاهش اند. در اقتصاد کنونی، منابع سرمایه فکری IC نظیر سرمایه انسانی و روابط با مشتریان از مهم ترین شاخصه های موفقیت در کسب و کار و مهم ترین عامل حفظ مزیت رقابتی و ارزش آفرینی برای شرکت ها قلمداد می شود. بر این اساس، توانایی ایجاد مزیت رقابتی و ارزش آفرینی بلند مدت به شدت به مدیریت موثر IC به جای دارایی های ملموس و مشهود بستگی دارد. بنابراین صنایع مبتنی بر دانشی نظیر صنعت مالی و بانک ها، به عنوان منبع اصلی این صنایع، در واقع جزء منابع غیر مشهود و فکری محسوب می شوند. بر اساس مطالعات آهوجا (2012)، یکی از کاربردهای مهم IC، دستیابی به موفقیت در بانکداری نسبت به سایر صنایع دیگر بوده و ارائه بهترین خدمات توسط یک بانک منوط به سرمایه گذاری در مولفه های IC نظیر منابع انسانی، برنده سازی، سیستم ها و فرآیندها می باشد. گوه (2005) نیز بیان کرد، سرمایه فیزیکی، منبع بسیار مهمی برای فعالیت بانک ها بوده و آن همان سرمایه فکری

است که می تواند کیفیت خدمات ارائه شده به مشتریان را تعیین سازد. بنابراین بانک ها برای مدیریت هرچه بهتر IC نیاز به چنین سرمایه ای دارند.

این مقاله از VAIC توسعه یافته توسط پالیک برای اندازه گیری عملکرد IC در بانک های تجاری عربستان سعودی استفاده کرد. همچنین ما به بررسی تاثیر IC و مولفه های آن بر شاخص های عملکرد مالی بانک ها، یعنی نرخ بازده دارایی ROA و بازده حقوق صاحبان سهام ROE می پردازیم. نظام بانکداری عربستان همواره به دنبال تفکیک اقتصاد به بخش های غیر نفتی است. دارایی های ترکیبی عربستان، ۱.۶۰ تریلیون ریال در انتهای سال ۲۰۱۰ میلادی بوده که بزرگترین دارایی در میان کشورهای عرب بعد از عمارت محسوب می شود. بانکداری عربستان از ویژگی های پایدار و سودآور برخوردار بوده که به شدت توسط بانک مرکزی این کشور تحت کنترل قرار دارد. با این حال، بانکداری عربستان در محیط رقابتی در منطقه GCC شاهد تغییرات چشمگیری بوده است. در سال ۲۰۰۴، وزارت خزانه داری عربستان، موانعی را برای ورود بانک های خارجی با ایجاد شعبه های جدید و مجوزهایی برای این بانک ها و بانک های منطقه ای نظیر بانک داتشه، بانک خلیج بین المللی، بانک ملی کویت، BNP، بانک ملی بحرین، JP Morgan چاز و بانک های بین المللی عمارت به منظور برآوردن الزاماً منطقه ای و بین المللی که بخشی از شورای GCC و سازمان تجارت جهانی محسوب می شوند، اعمال کرد. در نتیجه، ایجاد و حفظ مزیت رقابتی پایدار در بانک های عربستان برای پیشی گرفتن از رقباء بسیار حائز اهمیت است. از این رو، منبع اصلی بانک ها، همان سرمایه فکری و ناملموس بوده که نقش مهمی در ارزش آفرینی، تعیین اثربخشی بانک ها و آنالیز نحوه مدیریت موثر بر منابع IC ایفا می کند.

این مقاله به بررسی و اندازه گیری عملکرد بانک های عربستان و افزایش مدیریت IC پرداخته است. ادبیات مربوط به IC می توانند نقش مهمی در ارزیابی عملکرد IC بانک های عربستان داشته باشند این مقاله بدین صورت طبقه بندی شده است: بخش ۲: بیان ادبیات مربوط به موضوع و توسعه فرضیات، بخش ۳: بحث و گفتگو در مورد روش انجام کار و گردآوری داده ها، بخش ۴: نتایج و بخش ۵: نتیجه گیری.

2- مروری بر ادبیات و توسعه فرضیات:

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD، IC را یک ارزش اقتصادی با دو گروه از دارایی‌سازی‌های ناملموس شرکتی تعریف نمود: ۱) سرمایه سازمانی و ۲) سرمایه انسانی. و این تعریف با روش VAIC استفاده شده در این

مقاله برای اندازه گیری IC همخوانی دارد . تعریف IC ارائه شده توسط OECD به طبقه بندی IC در دو گروه می پردازد : سرمایه انسانی HC و سرمایه نهادی SC. این نوع طبقه بندی IC با طبقه بندی محققانی نظیر مالون و ادوینسون همخوانی دارد. سایر محققان نیز، IC را در سه گروه طبقه بندی کردند: سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه نسبی. سرمایه انسانی، به معنای دانش، شایستگی ها، تجارت و مهارت های کارکنانی بوده که سازمان را ترک می کنند. سرمایه ساختاری اشاره به دانشی که در یک شرکت بعد از ترک کارمند باقی می ماند، دارد . این دانش عبارت است از: فرآیند توید، فرآیند مدیریت بر سازمان، روتین های سازمانی، رویکردها، سیستم ها، فرهنگ و پایگاه داده، فناوری اطلاعاتی، روابط با مشتریان و وفاداری، عرضه کننده، برنده شرکت، شهرت و R&D تاکنون، هیچ شاخص معتبری برای اندازه گیری IC ارائه نشده است . سیوبی (2010) به بررسی روش های اندازه گیری IC و شناسایی 84 روش، پرداختند. در این بین، روش VAIC بیشتر در ارزیابی IC استفاده شده است . با استفاده از روش VAIC، محققان به بررسی روابط بین عملکرد IC و عملکرد شرکت با کمک معیارهای حسابداری و بازار در اقتصاد نوظهور در بخش بانکداری و غیر بانکداری پرداخته اند.

مطابق با دیدگاه مبتنی بر منابع، شرکت دارای منابع متعددی بوده و زمانی این منابع سودمند خواهد بود که باعث تقویت مزیت رقابتی شرکت شوند. نظریه منابع به سرمایه فکری و مادی و سرمایه مالی به عنوان مکنابع استراتژیک سازمان ها، اشاره دارد. شرکت ها قادر اند از طریق اکتساب، آشنایی و استفاده موثر از منابع استراتژیکی خود، به مزیت رقابتی و عملکرد مطلوبی دست یابند. به تازگی، نظریه IC ارائه شده توسط رید و همکاران، به جنبه های خاصی از نظریه منابع اشاره نمود. رید، لویتاکین و سیروینسان بیان کردند که IC تنها منابع مزیت رقابتی و ارزش افزوده شرکت محسوب می شود زیرا تقلید از سرمایه فکری بسیار سخت بوده اگرچه سرمایه مادی یک منبع ژنتیکی بوده و به راحتی تقلید می شود و می توان آن را از بازارهای آزاد، خرید و فروش کرد . تنها IC است که می تواند به عنوان یک منبع استراتژیک و ارزش آفرین برای شرکت محسوب شود.

مطابق با نظریه IC توسعه یافته توسط رید و همکاران (2006)، که IC را یک دارایی استراتژیک محسن شرکت ها دانسته و نقش مهمی در ایجاد مزیت رقابتی و حفظ آن می دانند، ما نیز انتظار داریم IC با عملکرد مالی بانک ها ارتباط مثبت داشته باشد. بنابراین داریم:

فرضیه 1: بانک هایی با عملکرد IC بیشتر، از عملکرد سازمانی بالایی هم برخوردار اند.

فرضیه 2: بانک هایی با اثربخشی بالای سرمایه انسانی، از عملکرد سازمانی بالایی هم برخوردار اند.

فرضیه 3: بانک هایی با بازدهی سرمایه ساختاری زیاد، از عملکرد سازمانی بالایی هم برخوردار اند.

فرضیه 4: بانک هایی با اثربخشی سرمایه استفاده شده زیاد، از عملکرد سازمانی بالایی هم برخوردار اند.

3- روش تحقیق:

3.1 نمونه:

نمونه این مقاله، تمام بانک های تجاری بورسی عربستان (تاداول) بوده که مجموعاً 11 بانک هستند. داده ها از گزارشات سالانه بانک های تجارتی طی دوره 2008-2010 میلادی با مجموع 33 مشاهده، به دست آمده اند.

3.2 اندازه گیری متغیرها:

3.2.1 IC عملکرد

مطابق با مطالعات پیشین، این مقاله به بررسی روش VAIC برای ارزیابی عملکرد IC می پردازد. از نظر ریاضی، VAIC به صورت ذیل است:

$$VAIC = CEE + HCE + SCE \quad (1)$$

که اشاره به ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری و CE ارزش دفتری دارایی های کل مشهود دارد. CEE از تقسیم ارز افزوده به CE به دست می آید. HCE اشاره دارد به اثربخشی سرمایه انسانی در ارزش آفرینی شرکت و با تقسیم VA بر HC به دست می آید. HC اشاره دارد به هزینه های پرسنل. SCE اشاره دارد به اثربخشی ارزش افزوده سرمایه ساختاری که با تقسیم SC بر VA به دست می آید. SC را می توان اختلاف میان VA و HC تعریف نمود. VA کل نیز با کمک فرمول ذیل محاسبه می شود

$$VA = OP + EC + D + A \quad (2)$$

که OP سود عملیتی، EC هزینه های کل کارکنان و D نیز استهلاک و A کاهش بها می باشند.

3.2.2 متغیرهای وابسته:

عملکرد مالی را می توان با کمک ROE, ROA اندازه گیری نمود. ROE بیانگر نرخ بازده سهام داران بوده که شاخص مالی مهمی برای مالکین به شمار می رود. ROE نیز به عنوان سود خالص سالانه ای بانک های شخصی تا پیش از تقسیم مالیات توسط میانگین دارایی سهام داران، تعریف می شود. ROA بیانگر بازدهی

استفاده از دارایی ها در ایجاد سود بوده و به عنوان سود خالص سالانه بانک های شخصی تقسیم بر میانگین دارایی های کل، محاسبه می شود

3.2.3 متغیرهای کنترل:

به منظور همخوانی با مطالعات پیشین و کاهش تعاملات با متغیرهای وابسته، اندازه بانک در مدل رگرسیون به عنوان یک متغیر کنترل در نظر گرفته می شود. ما برای کنترل بر بحران مالی جهانی CRIS از یک متغیر ساختگی استفاده کرده ایم. مدل 1 و 2 به بررسی ارتباط بین VAIC و 2 شاخص عملکردی دیگر ROE, ROA و مدل 3 به بررسی و 3 نیز از شاخص تجمعی IC همراه با 3 مولفه VAIC. اشاره دارند. ما تمام این فرضیات رگرسیون خطی را برای تضمین کیفیت داده ها و متغیرها، مورد آزمون قرار می دهیم

جدول 1: معادلات رگرسیونی

Model	Regression equation
1	$ROE = \beta_0 + \beta_1 VAIC + \beta_2 SIZE + \beta_3 CRISIS + e$
2	$ROA = \beta_0 + \beta_1 VAIC + \beta_2 SIZE + \beta_3 CRISIS + e$
3	$ROE = \beta_0 + \beta_1 HCE + \beta_2 SCE + \beta_3 CEE + \beta_4 SIZE + \beta_5 CRISIS + e$
4	$ROA = \beta_0 + \beta_1 HCE + \beta_2 SCE + \beta_3 CEE + \beta_4 SIZE + \beta_5 CRISIS + e$

یافته ها:

جدول 2، عملکرد IC را در نمونه ها بین سال 2008-2010 نشان می دهد. عملکرد کلی IC در بانک های سعودی، 3.646 بوده که نسبت به یافته های آل موسالی و کو اسماعیل در بانک های عمارتی (4.4)، عبدالسلام و همکاران در بانک های کویتی، آل بانتای در بانک های انگلیسی، گوه در بانک های مالزی و جوزی و همکاران در بانک های استرالیایی، کمتر بوده است. جدول 2، عملکرد IC طی سه سال متوالی را نشان می دهد. بانک های سعودی شاهد کاهش شدیدی در ارزش آفرینی طی سال 2009 بوده که احتمالاً به علت بروز بحران جهانی در بانکداری در کشورهای حاشیه خلیج فارس رخ داده است. با این حال، عملکرد IC در بانک ها در سال 2010 بیانگر موفقیت روش های عربستان برای کاهش اثرات منفی بحران مالی در صنعت بانکداری عربستان می باشد.

جدول 2: عملکرد IC در بانک های پذیرفته شده در بورس سعودی در سال 2008-2010

Years	Item	Coefficient
2008	HCE	3.417
	SCE	0.644
	CEE	0.027
	VAIC	4.089
2009	HCE	2.917
	SCE	0.384
	CEE	0.025
	VAIC	3.326
2010	HCE	2.958
	SCE	0.540
	CEE	0.024
	VAIC	3.522
2008-2010	HCE	3.097
	SCE	0.523
	CEE	0.025
	VAIC	3.646

مقایسه مولفه های VAIC. با یکدیگر نشان می دهد که بین سال های 2008-2010، بانک های سعودی در ارزش آفرینی از HC خود نسبت به CE,SC بسیار موفق تر عمل کرده اند.

جدول 3، خلاصه ای از نتایج رگرسیون خطی در مدل 1 تا 4 را نشان می دهد. نتایج بیان می کنند که تمام این 4 مدل دارای اهمیت آماری و قدرت اکتشافی بالایی هستند. با این حال، قدرت اکتشافی مدل ها با کمک 3 VAIC. در مقایسه با یک مدل مجزای تجمعی نشان داد که افزایشی در این شاخص وجود دارد از این رو، سهام داران و مدیران ممکن است از نگرش مختلفی نسبت به این سه مولفه VAIC. برخوردار باشند.

جدول 3: نتایج رگرسیون:

Independent variables	Model 1	Model 2	Model 3	Model 4
intercept	-0.06*** (-3.518)	-0.006** (-2.437)	-0.076** (2.653)	-0.012*** (-3.677)
VAIC	0.834*** (6.658)	0.898*** (6.045)		
HCE			0.724*** (3.364)	0.447** (2.233)
SCE			0.020 (0.130)	0.127 (0.869)
CEE			0.153 (1.510)	0.455*** (4.827)
Size	0.100 (0.800)	-0.012 (-0.083)	0.070 (0.483)	0.002 (0.015)
Crisis	0.087 (1.236)	0.071 (0.850)	0.078*** (0.981)	0.054 (0.733)
Adjusted R ²	0.843	0.779	0.818	0.842
F value	58.347	38.669	28.805	34.047
Sig.	0.000	0.000	0.000	0.000

نتایج مدل های 1 و 2 در جدول 5 موجود بوده و نشان می دهد که ارتباط معنادار و مثبتی بین VAIC. و هردو شاخص عملکرد مالی در بانک های تجاری طی سال های 2008-2010 میلادی وجود دارد. نتایج مدل

تجمعیعی 1 و 2 بیشتر بر VAIC. به عنوان شاخص پیش بینی کننده اثربخشی فکری بانک های سعودی تمرکز داشته بنابراین بانک هایی با عملکرد بالای IC از عملکرد بالای مالی نیز برخوردار اند.

VAIC. به 3 بخش تقسیم می کنیم و با کمک معادلات رگرسیونی، مقدار ROE, ROA را محاسبه می کنیم. نتایج، از وجود ارتباط مثبتی بین HCE با هر دو عملکرد مالی بانک های سعودی خبر داده اند. در مقابل، SCE ارتباط معناداری با این شاخص ها ندارد. با توجه به CEE، ارتباط مثبت و معناداری بین CEE و HCE در بانک ها وجود دارد. علاوه بر این سوددهی بانک های سعودی توسط CEE به دست آمده تا ROE یا SCE. این نتایج بایافته های مهرالیان و همکاران در ایران، کو اسماعیل و عبدالکارم در بحرین و فرییر و ویلیامز در عربستان همخوانی دارد بنابراین دارایی های مشهود جزو مهم ترین منبع عملکرد مالی بانک ها در این کشورها محسوب شده که هیچ تاثیری بر شاخص های عملکرد مالی بانک های تجاری ندارد. تاثیر غیر معنادار بحران مالی بر عملکرد مالی بانک های سعودی ممکن است به خاطر استفاده از روش های مداخله جویانه متعدد دولت عربستان برای کاهش تاثیر منفی بحران بر اقتصاد و فضای سیاسی عربستان و در جهت اجراء فعالیت های عادی اقتصادی، باشد.

نتیجه گیری:

بانک های تجاری پذیرفته شده در بورس سعودی از عملکرد IC بسیار پایینی در مقایسه با بانک های کشورهای توسعه یافته برخوردار بوده که این امر نشان از وجود منابع ناکافی و نامطلوب در این کشورها است. همچنین نیاز به ارزش آفرینی در عربستان نیز احساس می شود. مقایسه بین HCE, SCE, CEE نشان داد که قابلیت و توانایی بانک های سعودی در ارزش آفرینی به شدت به HCE وابسته است. این یافته ها چندان ما را متعجب نکرد زیرا بخش بانکداری یک بخش خدماتی بوده که در آن، خدمات به مشتری به شدت به سرمایه انسانی وابسته است. به نظر می رسد بانک هایی که بیشتر از HC استفاده می کنند از پایداری بالاتری نیز بهره مند اند. بنابراین توصیه می کنیم بانک های سعودی ابتدا نیروهای مهم خود را شناسایی نموده سپس با آموزش های مداوم به این افراد، از آن ها به عنوان ابزارهایی برای تقویت عملکرد کارکنان و مدیران استفاده گردد. نتایج فوق نشان دادند که نیاز فوری به توسعه و ارزش آفرینی SC در مقایسه با IC وجود دارد. مطابق با گفته مهرالیان، (2012)، یکی از بهترین اقدامات صورت گرفته توسط کشورهای در حال توسعه برای بهبود SC خود، بها

دادن به دانش تکنولوژیکی است . در واقع بانک های سعودی باید به نقش CICMO در چارت سازمانی خویش برای کمک به تعیین استراتژی ها و استفاده موثر از منابع مورد نیاز و IC اهمیت دهند.

در مجموع،نتایج آنالیز رگرسیون نشان داد که VAIC. می تواند عملکرد مالی بانک های سعودی را تشریح نموده و با ارزش آفرینی به بهبود سودآوری بانک ها یاری رساند.با این حال، نتایج آنالیز رگرسیون مدل های 3 و 4 همراه با 3 مولفه VAIC نشان دادند که طی دوره آزمایش،مدیران بانک های سعودی نتوانستند به طور کامل قابلیت عناصر IC در بانک خود را شناسایی نموده تا بتوانند بیشترین سود را در اختیار سهام داران خود قرار دهند. در نهایت،یافته های این تحقیق،می توانند در تعیین استراتژی های موثق برای دستیابی و تقویت IC به مدیران کمک شایانی نمایند. همچنین سیاست گذاران سعودی می توانند با کمک این یافته ها ،بهترین سیاست ها را برای ایجاد بانکداری موثق و معتبر در این کشور اتخاذ نمایند.